

# مقایسه ی رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی شهر تهران

مریم جواهری محمدی<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی

سید محمد کلانتر کوشه

استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی

کیومرث فرحبخش

استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت: ۹۳/۱۲/۱۹ پذیرش: ۹۴/۳/۱۴

## چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف مقایسه ی رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی در شهر تهران به روش ترکیبی کمی- کیفی انجام شد.

**روش:** نمونه پژوهش در بخش کمی شامل ۱۵۰ نفر (۸۳ نفر زن و ۶۷ نفر مرد) ساکن شهر تهران بود که به صورت تصادفی انتخاب شدند. افراد گروه نمونه همگی ۲ تا ۷ سال از شروع زندگی مشترکشان می گذشت. از آنها خواسته شد تا پرسشنامه ی رضایت زناشویی اینریچ و پرسشنامه ی سبک های همسرگزینی را پر کنند. در بخش کیفی نیز از ۱۲ نفر مصاحبه صورت گرفت. این تعداد بر حسب اشباع پاسخ ها بدست آمد.

**یافته ها:** در بخش کمی نتایج این آزمون نشان داد تفاوت معناداری در رضایت زناشویی در بین زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی وجود ندارد. در بخش کیفی در مقایسه ی رضایت زناشویی نتایج به دست آمده نشان داد افراد با ازدواج غیرسنتی در وضعیتی پایین تر از افراد با ازدواج سنتی قرار گرفته اند و افرادی که به طور سنتی ازدواج کرده اند در دل بستگی ایمن، دینداری و نقش پذیری در وضعیتی بهتر از افراد با ازدواج غیر سنتی قرار دارند.

---

<sup>1</sup>. maryamjivi@yahoo.com

مقایسه‌ی رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده

**نتیجه گیری:** نحوه‌ی همسرگزینی با رضایت از زندگی زناشویی ارتباط دارد و افراد با انتخاب صحیح در نحوه‌ی همسرگزینی می‌توانند گام‌های موثری در افزایش رضایت زناشویی بردارند.

**کلیدواژه‌ها:** همسرگزینی سنتی، همسرگزینی غیرسنتی، رضایت زناشویی، روش ترکیبی.

#### مقدمه

ازدواج به عنوان مسیری جهت کسب آرامش و تامین نیازهای انسان همواره پیش روی او بوده است. بدیهی است افراد تلاش می کنند تا با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارند این مسیر را به بهترین نحو پشت سر گذارند و بهترین انتخاب را برای شریک زندگی خود داشته باشند تا به دنبال آن زندگی مشترکی سرشار از رضایت و سلامت روانشناختی به دست آورند. در این میان چنانچه ابزارهای مناسب برای انتخاب همسر وجود نداشته باشد اولین قدم در ازدواج به خوبی برداشته نشده که نتیجه ی آن پایین بودن کیفیت زندگی زناشویی است (نیتزل و هاریس، ۲۰۰۸).

نیاز مرد و زن به یکدیگر از نیازهای ذاتی انسان است و به سبب ذاتی بودن آن، همواره همراه انسان است. در حقیقت ازدواج از این نیاز سرچشمه گرفته است که همانند سایر نیازهای ذاتی و طبیعی باید در قالب الگویی سالم تأمین شود و مقابله با آن اثرات مخرب برای فرد و جامعه در پی خواهد داشت. ازدواج معمول‌ترین عرف در تمام جوامع است که به دلیل نقش حیاتی آن در تشکیل خانواده و بقای نسل، به‌عنوان مهم‌ترین نوع ارتباط شناخته شده است (مهاکم، ۱۳۸۴).

واضح است که برای تأمین سلامت خانواده و رضایت از زندگی زناشویی، نحوه ی انتخاب همسر امری بسیار مهم است و پرداختن به این موضوع به‌صورت روزافزون، نشان‌دهنده ی اهمیت این مطلب می‌باشد (دلخמוש، ۱۳۸۶). مارکمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) خود تصریح می‌کند که بسیاری از مشکلات خانوادگی ریشه در نوع انتخاب همسر دارد که می‌توان گفت صرف کردن وقت و انرژی در این مرحله می‌تواند مقدمه‌ای برای دستیابی به زندگی سالم و فرح بخش باشد. درواقع موفقیت در انتخاب همسر اولین مرحله در چرخه ی زندگی خانوادگی است که موفقیت در مراحل بعدی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (نیتزل<sup>۳</sup> و هاریس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸).

واقعیت این است که در جامعه، برخی از افراد به صورت کاملاً فردی دست به انتخاب می‌زنند درحالی که برخی دیگر با کمک و راهنمایی خانواده فردی را به‌عنوان همسر برمی‌گزینند. در

<sup>2</sup>.Markman

<sup>3</sup>.Nietzel

<sup>4</sup>.Harris

این بین دوستی‌ها و تعاملات پیش از ازدواج معنا پیدا می‌کند. در واقع ازدواج بر مبنای عشق از لحاظ تاریخی بسیار نوظهور است. ازدواج‌ها در گذشته یک اتحاد رسمی و خشک برای رسیدن به یک نتیجه‌ی منطقی و از قبل حساب شده بود درحالی‌که امروزه دختر و پسر از ازدواج هدفی گران‌قدرتر و والاتر دارند، آن‌ها می‌خواهند تا همبستگی روحی قوی با همسر خود پیدا کنند و در زندگی تماسی مداوم و لذت‌بخش با روح و جسم همسر خود داشته باشند (علمدار، ۱۳۸۹). در حقیقت می‌توان به جرات گفت که در دنیای امروز اگر موضوع ازدواج صرفاً و صرفاً بدون دخالت عشق به عقل واگذار گردد به‌ندرت جشنی به نام ازدواج برگزار خواهد شد و هر روز بر تعداد دختران و پسران مجرد افزوده خواهد شد (پیری بنیادی، ۱۳۸۸).

به دیگر بیان، در گذشته نقش جوانان در انتخاب همسر و تصمیم‌گیری برای ازدواج نقش فعالی نبود و بیشتر بار این مسئولیت بر دوش خانواده‌ها و دوستان بود. درحالی‌که امروزه برخلاف گذشته دختر و پسر بیشترین مسئولیت را در امر ازدواجشان بر عهده گرفته‌اند (محبوبی منش، ۱۳۸۸) و بر این اساس چه‌بسا بتوان ادعا کرد که اضطراب انتخاب و تشکیل خانواده بیش از گذشته جوانان را تحت فشار می‌گذارد، که خود می‌تواند بر متغیرهای گوناگونی پس از ازدواج اثرگذار باشد. یکی از مهم‌ترین این موارد رضایت زناشویی می‌باشد. پلگ<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) رضایت زناشویی را به‌عنوان میزان ادراک زوج از اینکه شریکشان نیازها و تمایلات آن‌ها را برآورده می‌کند تعریف می‌کند (به نقل از زرنندی، رضانی و جواهری، ۱۳۸۹).

از طرفی دیگر طی دهه‌های اخیر شاهد افزایش نرخ طلاق و سست‌تر شدن نظام خانواده هستیم به‌طوری‌که روند ازدواج و طلاق ثبت‌شده طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ در سایت سازمان ثبت احوال<sup>۶</sup> نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۳ به ازای هر ۹/۸ ازدواج صورت گرفته ۱ واقعه‌ی طلاق رخ داده است، این نسبت با نزدیک شدن به سال ۱۳۹۲ کاهش چشمگیری داشته به‌طوری‌که در نه‌ماهه‌ی سال ۱۳۹۲ نسبت ازدواج به طلاق ۵/۴ می‌باشد. به عبارتی در مقابل هر ۵/۴ ازدواج ثبت شده ۱ طلاق به ثبت رسیده است. چنین افزایشی در نرخ طلاق باعث شده است تا پژوهش‌های متعددی درباره علل احتمالی آن در سال‌های اخیر انجام شود.

<sup>۵</sup>.Peleg

<sup>۶</sup>.www.sabteahval.ir

مارکمن (۱۹۹۳) معتقد است که اکثر زن و شوهرها در ابتدای زندگی مشترک رضایت زناشویی یکسانی را نشان می‌دهند اما به دلایل مختلف در طی زمان درجات مختلفی از رضایت زناشویی را نشان می‌دهند. تحقیق اولسون (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که سطوح تعاملات قبل از ازدواج قویاً رضایت زناشویی را بعد از ازدواج تحت تأثیر قرار می‌دهد. زوج‌هایی که دارای الگوهای تعاملی قبل از ازدواج درستی نیستند، بعد از ازدواج رضایت زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. تعدادی از این تحقیقات رابطه مستقیم و معنی‌داری را بین این سبک زندگی و پایین بودن کیفیت زندگی مشترک پس از ازدواج و افزایش نرخ طلاق گزارش داده‌اند (هانت<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹؛ مانینگ و اسماک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵؛ کلاین و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴)؛ اما تعداد کمتری از این تحقیقات نیز بر این عقیده‌اند که هم‌خانگی قبل از ازدواج مسئول این ناپایداری‌ها در زندگی مشترک پس از ازدواج نمی‌باشد بلکه فاکتورهای انتخاب همسر است که تا حد زیادی این ناپایداری را توجیه می‌کند (براون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۴؛ فیلیپس<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵). در تحقیق مظاهری و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده شده است که رضایت از زندگی به‌طور معناداری با سبک‌های همسرگزینی ارتباط دارد و با وارد کردن متغیر زمان دیده شده است سازگاری زناشویی که سبک همسرگزینی خود را شیفتگی و داشتن ارتباط قبل از ازدواج گزارش کرده بودند به‌طور پیوسته پایین و پایین‌تر آمده و نسبت به سبک‌های دیگر همسرگزینی، پس از گذشت زمان، نارضایتی بیشتری را اعلام می‌کردند.

از عوامل دیگری که بر رضایت زناشویی تأثیر دارند سبک دلبستگی زوجین است. بالبی (۱۹۸۸) معتقد است که دلبستگی در رابطه‌ی والد-کودک به رابطه‌ی عاشقانه در بزرگسالی انتقال می‌یابد. هازن و شاور<sup>۱۲</sup> در سال ۱۹۸۷ تئوری دلبستگی را به عنوان پایه‌ی ساختار درک عشق بزرگسالی به کار بردند. آنها عشق رمانتیک یا رابطه‌ی دو نفره را به عنوان فرایند دلبستگی تعریف کردند که از همان فرایند تکاملی و پیامدهای مشابه تفاوت‌های فردی در دلبستگی نوزاد-والد پیروی می‌کند. پژوهش‌های زیادی در زمینه‌ی رابطه‌ی بین رضایت

7. Hunt

8. Manning & Smock

9. Kline & et

10. Brown

11. Philips

12. Hazan & Shaver

زناشویی و دل‌بستگی زوجین انجام شده است؛ نتایج پژوهش حمیدی (۱۳۸۶) نشان داده است که دانشجویان متأهل با سبک دل‌بستگی ایمن، از رضایتمندی زناشویی بالاتری برخوردار هستند و دانشجویانی که سبک دل‌بستگی نایمن داشتند میزان رضایتمندی زناشویی آنها به طور معنی‌داری پایین‌تر از افراد ایمن بود. هم‌چنین در پژوهشی دیگر نشان دیده شده است که سبک دل‌بستگی ایمن به طور مثبت با رضایت زناشویی ارتباط دارد و افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی به طور معناداری دارای رضایت زناشویی پایین‌تری هستند (امان‌الهی و همکاران، ۱۳۹۱).

هم‌چنین از دیگر عواملی که رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد آموزه‌های دینی است. روکاس<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۵) بیان می‌کند که آموزه‌های دینی پیام‌هایی را درباره شاخص‌های رضایت از زندگی به افراد ارائه می‌دهند که عمدتاً با پدیده‌های متعالی در هم آمیخته‌اند و باعث می‌شود تا افراد زندگی مشترکشان را نوعی پیوند مقدس بشمارند. در تحقیقی اثربخشی آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی بر رضایت زناشویی زنان متأهل مطالعه شد که نتایج آن نشان داد که این آموزه‌ها بر افزایش رضایت زناشویی افراد شرکت‌کننده در گروه آزمایش تأثیر معناداری داشت (پورمیرصالح، اسماعیلی و فرح‌بخش، ۱۳۹۲). در تحقیق دیگری نشان داده شد که گروه درمانی شناختی-رفتاری با جهت‌گیری مذهبی به‌طور معنی‌داری باعث افزایش رضایت زناشویی در بانوان شهر تهران گردید (زاده‌وش و همکاران، ۱۳۹۰). در تحقیق سودانی، منجزی و شفیق‌آبادی (۱۳۹۱) نشان داده شد که آموزش‌های اسلامی خانواده باعث افزایش رضایت زناشویی در زوجین در شهر اصفهان گردید.

علاوه بر عوامل ذکر شده، در تحقیق رحمانی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داده شده است که عوامل زیادی در رضایت زناشویی نقش دارند که از مهمترین آنها می‌توان به گشودگی احساسی، نقش‌پذیری و عشق و علاقه میان زوجین اشاره کرد. بر این اساس پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال می‌باشد: آیا بین رضایت زناشویی زوجین با همسرگزینی سنتی و زوجین با همسرگزینی غیر سنتی تفاوت معناداری وجود دارد؟

13. Roccas

## روش

شرکت کنندگان: جامعه آماری» این پژوهش را زوجینی تشکیل می دهند که بین ۲ الی ۷ سال از زندگی مشترکشان گذشته باشد. نمونه مورد بررسی عبارت بودند از ۱۵۰ نفر که از طریق نمونه گیری تصادفی به پرسش نامه ی رضایت زناشویی اینریچ و سبک های همسرگزینی پاسخ دادند. نمونه گیری تصادفی به این صورت بود که از بین دانشگاه های موجود در شهر تهران به صورت تصادفی و به قید قرعه، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات انتخاب شدند. با مراجعه به این دانشگاه ها، از افرادی که وارد دانشگاه می شدند به صورت تصادفی از هر دانشگاه ۵۰ نفر انتخاب شدند. در بخش کیفی نیز مصاحبه با ۱۲ نفر انجام شد. این تعداد نمونه در بخش کیفی از طریق نمونه گیری هدفمند و بر اساس اشباع پاسخ ها بدست آمد. این مراحل از اواخر فروردین ۱۳۹۳ شروع و در آبان ماه همان سال به پایان رسید. علت استفاده از روش ترکیبی این بود که بتوانیم با استفاده از روش کیفی به تکمیل اطلاعات به دست آمده از روش کمی پردازیم.

## ابزار پژوهش :الف) پرسشنامه ی تعیین سبک های همسرگزینی - این پرسشنامه

توسط مظاهری در سال ۱۳۸۸ ساخته شده است که دارای یک سؤال با پنج گزینه است و سبک همسرگزینی آزمودنی را مشخص می کند. این پنج گزینه عبارتند از:

۱- "من تا قبل از ازدواج همسر را نمی شناختم، از طریق خواستگاری با رضایت خود و موافقت والدین با او ازدواج کردم." ۲- "من تا قبل از ازدواج همسر را نمی شناختم، از طریق خواستگاری بدون رضایت خود و با اجبار با او ازدواج کردم." ۳- "من قبل از ازدواج با همسر آشنا بودم و با موافقت خود و خانواده ازدواج کردم." ۴- "من و همسر قبل از ازدواج شیفته و خواهان هم بودیم و علیرغم مخالفت خانواده ها ازدواج کردیم." ۵- "با همسر آشنا و مرتبط بودم و به نوعی مجبور به ازدواج با او شدم." علاوه بر این، اطلاعات جمعیت شناختی زوجین در این پرسشنامه جمع آوری می شود.

ج) پرسشنامه ی رضایت زناشویی اینریچ<sup>۱۴</sup>: برای اندازه گیری میزان رضایت زناشویی از پرسش نامه ی خودگزارش دهی اینریچ که در سال ۱۹۸۶ توسط اولسون، فورنیر و دراکمن

<sup>14</sup> Four ENRICH Couple Scale

ساخته شد استفاده گردید. در این پژوهش از نسخه ی ۳۵ سوالی پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۳۵ سؤال و ۴ خرده مقیاس می باشد. هر سؤال دارای پنج گزینه ی "کاملاً موافقم"، "موافقم"، "نه موافق و نه مخالف"، "مخالفم" و "کاملاً مخالفم" می باشد که به ترتیب به آنها نمره ای از ۱ تا ۵ تعلق می گیرد. چهار خرده مقیاس این پرسشنامه شامل رضایت زناشویی، حل تعارض، ارتباطات و تحریف آرمانی می باشد. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۰ بر روی ۲۵۵۰۱ زوج متاهل توسط دیوید السون و امی السون<sup>۱۵</sup> اجرا شد. ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاسهای رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض، و تحریف آرمانی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴ و ۰/۸۳ بوده است و برای رضایت زناشویی کل ۰/۸۶ گزارش شد. در ایران نیز در پژوهشی که آسوده و همکاران (۱۳۸۹) بر روی ۳۶۵ زوج یعنی ۷۳۰ نفر انجام دادند ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاسها به ترتیب با ۰/۶۸، ۰/۷۸، ۰/۶۲ و ۰/۷۷ و برای رضایت زناشویی کل ۰/۸۳ گزارش شد. ضریب آلفای پرسشنامه در پژوهش حاضر برای خرده مقیاسهای رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض، و تحریف آرمانی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۱، ۰/۸۳، ۰/۷۶ و برای رضایت زناشویی کل ۰/۸۲ بدست آمد. پایایی این پرسشنامه در تحقیق حاضر از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد که عدد ۰/۹۱ به دست آمد.

د) **مصاحبه ی نیمه ساختار رضایت زناشویی:** پرسشنامه ای نیمه ساختار که به منظور تکمیل اطلاعات بدست آمده از بخش کمی تدوین شد و دارای سئوالات به صورت بازپاسخ می باشد.

شیوه اجرا / گردآوری داده ها :

روش کمی: پرسشنامه ی اینریچ و پرسشنامه ی سبک همسرگزینی به دنبال هم متصل شد و از افراد نمونه درخواست شد که به سئوالات پاسخ دهند. به آنها گفته شد که این پرسشنامه ها بدون نام خواهند بود و فقط جهت تحقیق دانشجویی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

**روش کیفی:** در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شد، در این نوع تحلیل، داده ها در اصل به صورت گفتار تولید می شوند؛ ولی بعداً آنها را به منظور تحقیق با دقت و وسواس فراوان و با استفاده از علائمی که تأکیدها، مکثها، خنده‌ها و سایر ظرایف غیرکلامی را هم بر

<sup>15</sup> . olson & olson



مقایسه رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی..... فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده

کاغذ بیاورد، به نوشتار تبدیل می‌کنند (دلاور، ۱۳۹۳). قبل از ضبط مصاحبه‌ها از تمامی شرکت کنندگان اجازه گرفته شد تا صدای آنها ضبط شود و به آنها اطمینان داده شد که این فایل‌های ضبط شده در اختیار کسی قرار نمی‌گیرد.

### یافته‌ها

در بخش کمی ابتدا آزمون کالمرگروف اسمیرنف برای بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن در متغیر رضایت زناشویی به همراه مولفه‌هایش و آزمون لوین برای بررسی مفروضه‌ی همسانی واریانس‌ها در دو گروه همسرگزینی سنتی و غیر سنتی تایید شد. سپس آزمون t مستقل گرفته شد. نتایج حاصل از آزمون t مستقل نشان داد که تفاوت معناداری بین رضایت زناشویی زوجین با همسرگزینی سنتی و غیر سنتی وجود ندارد.

جدول ۱. آزمون کالمرگروف اسمیرنف برای بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن در متغیر رضایت زناشویی به همراه مؤلفه‌هایش در دو گروه

گروه‌ها	شاخص‌های آماری	رضایت زناشویی کل	رضایت زناشویی	ارتباطات	حل تعارض	تحریف آرمانی
همسرگزینی	آماره	۰۷۴/۰	۰۹۷/۰	۰۶۸/۰	۰۷۸/۰	۰۷۳/۰
گزینه	درجه آزادی	۷۱	۷۱	۷۱	۷۱	۷۱
سنتی	سطح معناداری	۲۰۰/۰	۰۹۴/۰	۲۰۰/۰	۲۰۰/۰	۲۰۰/۰
همسرگزینی	آماره	۰۶۵/۰	۰۸۴/۰	۰۶۹/۰	۰۸۵/۰	۱۰۴/۰
گزینه	درجه آزادی	۷۸	۷۸	۷۸	۷۸	۷۸
غیر سنتی	سطح معناداری	۲۰۰/۰	۲۰۰/۰	۲۰۰/۰	۲۰۰/۰	۰۵۶/۰

با توجه به جدول شماره ۱ آزمون کالمرگروف اسمیرنف برای بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن در متغیر رضایت زناشویی به همراه مؤلفه‌های آن با سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ ( $p > 0.05$ ) تأیید شد.

**جدول ۲. آزمون F لویین برای بررسی مفروضه ی یکسانی واریانس ها در دو گروه همسر گزینی سنتی و غیر سنتی**

متغیرها	شاخص های آماری		
	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	F
رضایت زناشویی	۱	۱۴۸	۳۴۰/۴
ارتباطات	۱	۱۴۸	۲۰۲/۳
حل تعارض	۱	۱۴۸	۹۱۳/۰
تحریف آرمانی	۱	۱۴۸	۱۱۴/۲

با توجه به جدول شماره ۲، آزمون F لویین برای بررسی مفروضه ی یکسانی واریانس ها بر روی نمرات ابعاد رضایت زناشویی در دو گروه با سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ ( $P > 0.05$ ) تأیید شد.

**جدول ۳. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه ی رضایت زناشویی در دو گروه همسر گزینی به روش سنتی و غیر سنتی**

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
سنتی	۱۲۶/۰۶	۲۳/۳۵	۳۱/۳۴	۰/۰۸۴	۰/۹۳
غیرسنتی	۱۲۵/۷۷	۱۷/۵۴			

همان طور که در جدول (۳) مشاهده می شود بین نمرات میانگین رضایت زناشویی در دو گروه زوجین با همسرگزینی سنتی و غیر سنتی تفاوت چشمگیری دیده نمی شود و بر اساس آزمون t مستقل تفاوت معناداری در متغیر رضایت زناشویی بین این دو گروه وجود ندارد. در ادامه بررسی کردیم که آیا بین ابعاد رضایت زناشویی در بین زوجینی که به روش سنتی و زوجینی که به روش غیرسنتی همسر خود را انتخاب کرده اند تفاوت وجود دارد؟

**جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره بر روی نمره های ابعاد رضایت زناشویی در دو**

**گروه همسرگزینی به روش سنتی و غیر سنتی**

نام آزمون	مقدار	فرضیه درجه آزادی	خطای درجه آزادی	F	سطح معناداری
آزمون اثر پیلایی	۰/۰۶۹	۴	۱۴۵	۲/۶۶	۰/۰۳۵
آزمون لامبدای ویلکس	۰/۹۳۱	۴	۱۴۵	۲/۶۶	۰/۰۳۵
آزمون اثر هنتلینگ	۰/۰۷۴	۴	۱۴۵	۲/۶۶	۰/۰۳۵
آزمون بزرگترین ریشه	۰/۰۷۴	۴	۱۴۵	۲/۶۶	۰/۰۳۵

همانطور که جدول شماره ۴ مشخص است، نتایج تحلیل واریانس چند متغیره بر روی نمرات ابعاد رضایت زناشویی در دو گروه همسرگزینی به شیوه ی سنتی و غیر سنتی نشان می دهد اثر ترکیب خطی این ابعاد بر دو گروه با سطح معناداری ۰/۰۳۵ ( $P>0.01$ ) معنی دار نیست. یعنی در بین دو گروه در هیچ کدام از ابعاد رضایت زناشویی تفاوت معنادار وجود ندارد. مقدار خطا در این آزمون کمتر از ۰/۰۵ است که در این صورت بین دو گروه در ابعاد رضایت زناشویی اختلاف معنادار باید وجود داشته باشد ولی چون مقدار فاصله ی کمی با ۰/۰۵ دارد احتمال این اختلاف خیلی کم است و ما برای اطمینان نتایج تحلیل واریانس تک متغیری را در جدول زیر آوردیم. در واقع برای اینکه مشخص شود در بین دو گروه در یک از ابعاد رضایت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد در جدول زیر نتایج تحلیل واریانس تک متغیری در متن تحلیل واریانس چند متغیری آورده شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس تک متغیری بر روی نمرات ابعاد رضایت زناشویی در دو گروه همسرگزینی به روش سنتی و غیر سنتی

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
رضایت زناشویی	۶۱/۲۳۱	۱	۶۱/۲۳۱	۱/۳۳	۰/۲۵۱	۰/۰۰۹	۰/۲۰۹
ارتباطات	۵۵/۹۲۹	۱	۵۵/۹۲۹	۰/۹۸۲	۰/۳۲۳	۰/۰۰۷	۰/۱۶۶
حل تعارض	۶/۳۶۷	۱	۶/۳۶۷	۰/۲۳۴	۰/۶۲۹	۰/۰۰۲	۰/۰۷۷
تحریف آرمانی	۱/۲۵۰	۱	۱/۲۵۰	۰/۰۷۸	۰/۷۸۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵۹

همانطور که جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس تک متغیری بر روی نمرات ابعاد رضایت زناشویی نشان می دهد بین هیچ کدام از ابعاد این متغیر در دو گروه تفاوت معنادار وجود ندارد. سطح معنی داری (مقدار خطا) بزرگتر از ۰/۰۵ است. ( $P>0.05$ ).

**بخش کیفی:** در این بخش برای تکمیل اطلاعات بدست آمده از بخش کمی، از ۱۲ نفر مصاحبه شده است و با دقت فراوان بر روی کاغذ پیاده شده است. جداولی برای این مصاحبه ها به صورت جداگانه برای هر گروه رسم شد که در آن تمام محتوا و عبارات مهم بازگو شده در مصاحبه ها، کدگذاری شده و نهایتاً با محاسبه ی درصدی این جملات و گنجاندن این درصدها برای دو گروه در یک جدول، جدول شماره ی ۶ بدست آمده است.

جدول ۶. مقایسه‌ی مولفه‌های رضایت زناشویی در بخش کیفی بین زوجین با همسرگزینی

سنّتی و غیر سنّتی

سنّتی	غیر سنّتی	
٪۱۵/۶۲	٪۸/۱	دل‌بستگی ایمن
٪۹/۳۷	٪۲۴/۳۲	دل‌بستگی نایمن
٪۲۲/۲۲	٪۱۲/۷۶	دینداری کامل
٪۱۰	٪۱۲/۷۶	دینداری ناقص
-----	٪۲۱/۷	گشودگی احساسی
٪۲۵/۱۵	-----	عدم گشودگی احساسی
٪۱۸/۷۵	٪۱۰/۸۱	نقش‌پذیری مثبت
۶/٪۲۵	٪۱۰/۴	نقش‌پذیری منفی

همچنانکه در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود افراد با ازدواج غیر سنّتی دارای دل‌بستگی ایمن در حدود ۸ درصد می‌باشند، این در حالیست که افراد با ازدواج سنّتی در دل‌بستگی مذکور عددی بیش از ۱۵ درصد را کسب کرده‌اند. بنابر این، میتوان نتیجه گرفت، طبق این جدول، افراد با ازدواج سنّتی در دل‌بستگی ایمن، در وضعیت بهتری قرار دارند. در افراد با ازدواج غیر سنّتی عباراتی نظیر " وقتی همسرم بیرون از منزل است من دائما به او زنگ می‌زنم " با بیشترین فراوانی در این کدگذاری و در افراد با ازدواج سنّتی عباراتی نظیر " وقتی همسرم بیرون از منزل است فقط ۱ بار با او تماس می‌گیرم تا حالش را بپرسم " بیشتر مشاهده می‌شود.

در ادامه با توجه به جدول ۶ قابل مشاهده است که افراد با ازدواج سنّتی در دینداری کامل درصدی در حدود ۲۲ را کسب کرده‌اند، این در حالیست که افراد با ازدواج غیر سنّتی در این مورد درصدی در حدود ۱۲ را کسب نموده‌اند بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که افراد با

ازدواج سنتی در دینداری در وضعیتی بهتر از افراد با ازدواج غیر سنتی قرار گرفته اند. در این کدگذاری، در افراد با ازدواج غیر سنتی، جمله ای که بیشترین فراوانی را داشت، جمله ی " وقتی به مشکلی برخورد میکنم که نتوانم آن را حل کنم، به خدا توکل میکنم" و در افراد با ازدواج سنتی بیشترین فراوانی را بین جملات گفته شده، جمله ی " واقعیت نماز نمی خوانم ولی خدا رو دوست دارم" دارا بود.

با توجه به جدول مورد بحث، قابل مشاهده است که گشودگی احساسی در افراد با ازدواج سنتی سهمی را به خود اختصاص نداده است، این درحالیست که افراد با ازدواج غیر سنتی عددی بیش از ۲۰ درصد را در گشودگی احساسی کسب کرده اند پس می توان گفت افراد با ازدواج غیر سنتی در این زمینه در وضعیت بهتری قرار دارند. در میان افراد با ازدواج غیر سنتی جملاتی که بیانگر ابراز احساسات هستند نظیر " وقتی دلم برای همسرم تنگ می شود بیان می کنم" بیشتر وجود دارد و این در حالی است که در میان افراد با ازدواج سنتی جملاتی نظیر " اینکه من همسرم را دوست دارم از رفتارهایم مشخص است و لزومی برای گفتنش وجود ندارد" بیشتر به چشم می خورد.

درباره ی نقش پذیری مثبت نیز، همچنانکه قابل مشاهده است افراد با ازدواج سنتی عددی در حدود ۱۸ درصد را در این زمینه کسب کرده اند در حالیکه این عدد در افراد با ازدواج غیرسنتی تنها در حدود ۱۰ درصد است که این اعداد نشان می دهد افراد با ازدواج سنتی در خصوص نقش پذیری مثبت در وضعیتی بهتر از افراد با ازدواج سنتی قرار دارند. در بین افراد با ازدواج سنتی جملاتی نظیر " من از تقسیم وظایفمون راضی هستم" بیشتر تکرار شده است و در میان افراد با ازدواج غیر سنتی جملاتی نظیر " همسرم بی مسئولیت است" بیشتر به چشم می خورد.

در مجموع طبق این جدول، افراد با ازدواج سنتی در دلبستگی ایمن، دینداری و نقش پذیری مثبت در وضعیتی بهتر از افراد با ازدواج غیر سنتی قرار گرفته اند و از طرف دیگر افراد با ازدواج غیر سنتی نسبت به افراد با ازدواج سنتی در گشودگی احساسی از وضعیت بهتری برخوردار هستند.

لازم به ذکر است که متغیرهای مطالعه شده در بخش کیفی با توجه به دو نکته انتخاب شدند. نکته ی اول اینکه در تحقیقات گذشته، ارتباط بین این متغیرها با رضایت زناشویی نشان داده

شده است و نویسندگان بر آن بودند تا تفاوت آنها را در گروه سنتی و غیر سنتی بررسی کنند. دوم اینکه در پرسشنامه رضایت زناشویی استفاده شده در بخش کمی، این متغیرها بررسی نمیشدند و لذا با توجه به وجود ارتباط آنها با رضایت زناشویی تصمیم گرفته شد تا در بخش کیفی به مطالعه‌ی آنها پرداخته شود.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی رضایت زناشویی در بین زوجین با همسرگزینی سنتی و غیر سنتی انجام شد. نتایج در بخش کمی تفاوت معناداری را در رضایت زناشویی این دو گروه نشان نداد اما در بخش کیفی نشان داده شد که افراد با ازدواج سنتی در دل‌بستگی ایمن، دینداری و نقش‌پذیری مثبت در وضعیتی بهتر از افراد با ازدواج غیر سنتی قرار گرفته‌اند و در نتیجه از لحاظ رضایت زناشویی در وضعیت مناسب‌تری هستند.

در بخش کیفی پژوهش حاضر نشان داده شد که افراد با ازدواج سنتی در دل‌بستگی ایمن در وضعیت بهتری نسبت به افراد با ازدواج غیر سنتی قرار دارند. از طرفی دیگر نتایج پژوهش حمیدی (۱۳۸۶)، امان‌الهی و همکاران (۱۳۹۱) و زرنندی، رضانی و جواهری (۱۳۸۹) همگی نشان دادند که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت زناشویی وجود دارد. بنابر این به این طریق می‌توان بیان کرد که افراد دارای ازدواج سنتی با دارا بودن وضعیت بهتری در دل‌بستگی ایمن، از رضایتمندی زناشویی بالاتری نیز برخوردار هستند.

در ارتباط با دینداری لازم به ذکر است که پژوهش‌های مختلفی ارتباط آنرا با رضایت زناشویی مورد بررسی قرار داده است که در اغلب آنها ارتباط مثبت و معنی‌داری بین رضایت زناشویی و دینداری نشان داده شده است، از این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌های پورمیر صالح، اسماعیلی، و فرحبخش (۱۳۹۲)، زادهوش و همکاران (۱۳۹۰)، سودانی، منجری و شفیق‌آبادی (۱۳۹۱)، حسین‌دخت، فتحی‌آشتیانی و تقی‌زاده (۱۳۹۱) و مصلحی و احمدی (۱۳۹۲) نام برد. مصلحی و احمدی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ی خود نشان دادند زوجین هر دو پایبند به مذهب نسبت به زوجینی که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب بود از رضایتمندی زناشویی بیشتری برخوردار بودند و آنها نیز نسبت به زوجینی که هیچ‌کدامشان به مذهب پایبند نبودند، از رضایتمندی بالاتری برخوردار بودند. بنابر این می‌توان ادعا کرد که در پژوهش حاضر،

افراد دارای ازدواج سنتی با دارا بودن وضعیتی بهتر در دینداری از رضایتمندی زناشویی بالاتری برخوردار هستند.

از دیگر نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر در بخش کیفی این بود که افراد با ازدواج غیر سنتی نسبت به افراد با ازدواج سنتی در گشودگی احساسی در وضعیت بهتری قرار دارند. این نتیجه با نتیجه‌ی پژوهش سیار، راهب و اقلیما (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. در پژوهش اخیر نشان داده شده است زنانی که ازدواج مدرن داشته‌اند نسبت به زنانی که ازدواج سنتی داشته‌اند دارای پاسخدهی عاطفی بیشتری هستند. در پژوهش‌های مختلفی نشان داده شده است که بین رضایت زناشویی و گشودگی احساسی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. پژوهش قلی زاده و همکاران (۱۳۸۹) و شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۱۳۹۰) نشان داده شد که گشودگی احساسی و برون‌گرایی سهم بسزایی در پیش‌بینی رضایت زناشویی بر عهده دارد. بنابراین می‌توان بیان کرد در این پژوهش‌ها افراد با ازدواج غیر سنتی با وضعیتی بهتر در گشودگی احساسی، در این قسمت سهم بیشتری در رضایت زناشویی کسب کرده‌اند، علت این امر را می‌توان اینگونه بیان کرد که افرادی که دارای ازدواج سنتی بوده و تا قبل از ازدواج با همسر خود رابطه نداشته‌اند، به دلیل فرهنگ حیا در جامعه‌ی ایرانی و عدم آموزش‌های لازم در این بخش، نمره‌ی پایین‌تری نسبت به افراد با ازدواج غیر سنتی گرفته‌اند.

هم‌چنین در پژوهش‌های مختلف نقش‌پذیری به عنوان عوامل مرتبط با رضایت زناشویی بیان شده‌اند. از این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش کار (۲۰۰۶)؛ به نقل از محمد تقی و آقا میری، (۱۳۹۱)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۰)، شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۱۳۹۰) و قلی زاده، برزگری، غریبی و باباپور خیرالدین (۱۳۸۹) اشاره کرد. در پژوهش قلی زاده و همکاران (۱۳۸۹) نشان داده شد که نقش‌پذیری با رضایت زناشویی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بنابراین این می‌توان ادعا کرد که در پژوهش حاضر، افراد دارای ازدواج سنتی با دارا بودن وضعیتی بهتر در حل تعارض و نقش‌پذیری از رضایتمندی زناشویی بالاتری برخوردار هستند.

نتایج به دست آمده در بخش کمی با پژوهش ایرانی (۱۳۸۳)، براون (۲۰۰۴) و فیلیس (۲۰۰۵) همسو می‌باشد. نتایج پژوهش ایرانی (۱۳۸۳) بیان کرد که رضایت زناشویی در بین زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی تفاوت معنادار آماری ندارد. براون (۲۰۰۴) و فیلیس (۲۰۰۵) هم بیان کردند که داشتن ارتباط قبل از ازدواج مسئول ناپایداری‌ها در زندگی مشترک پس از



ازدواج نمی باشد بلکه فاکتورهای انتخاب همسر است که تا حد زیادی این ناپایداری را توجیه می کند اما نتایج به دست آمده در بخش کیفی با نتایج به دست آمده توسط هانت (۲۰۰۹)، مانینگ (۲۰۰۵) و کلاین (۲۰۰۴) همسو می باشد. هم چنین پژوهش حاضر با تحقیقی که مظاهری و همکاران (۱۳۸۸) در این خصوص در جامعه ایرانی انجام داده اند نتایج مشابهی داشته است. در تحقیق وی نشان داده شده است که رضایت از زندگی به طور معناداری با سبک های همسرگزینی ارتباط دارد و با وارد کردن متغیر زمان دیده شده است سازگاری زنانی که سبک همسرگزینی خود را شیفتگی قبل از ازدواج (ازدواج غیر سنتی) گزارش کرده بودند به طور پیوسته پایین و پایین تر آمده و نسبت به سبک های دیگر همسرگزینی، پس از گذشت زمان، نارضایتی بیشتری را اعلام می کردند.

علت تفاوت نتایج بدست آمده در بخش کیفی و کمی را شاید بتوان اینگونه توجیه کرد که روش کمی به تنهایی نمی تواند پاسخگوی چنین مطالعاتی در ایران باشد. با توجه به فرهنگ ایرانی، چنانچه از افراد خواسته شود تا رضایت از زندگی زناشویی خود را در ابعاد مختلف بوسیله ی ابزار پرسشنامه گزارش دهند، اغلب به جهت حفظ آبرو از خود افشایی پرهیز می کنند و دقت لازم در پر کردن پرسشنامه را به کار نمی گیرند. اما در بخش کیفی زمانی که رابطه ی مناسبی بین مصاحبه شونده و مصاحبه کننده برقرار می شود و مصاحبه شونده اعتماد لازم را برای خودافشایی پیدا می کند، دقت در پاسخگویی به مراتب بالاتر می رود و این امر خود باعث افزایش صحت پاسخ ها می شود.

از محدودیت های این پژوهش می توان به انتخاب نمونه از شهر تهران اشاره کرد که چه بسا تعمیم دادن نتایج این پژوهش به سایر شهرها امکان پذیر نباشد. هم چنین استفاده از پرسشنامه در بخش کمی می تواند باعث کاهش دقت در جمع آوری داده ها شود و زمینه سوگیری را فراهم نماید چرا که این پرسشنامه ها از نوع خودگزارش دهی می باشند که به علل مختلف از جمله بی دقتی و بی حوصلگی افراد در پر کردن آنها، باعث مخدوش شدن اطلاعات دریافتی می گردد. بنابر این پیشنهاد می شود چنین پژوهش هایی با هدف افزایش دقت در یافته ها به صورت کیفی انجام گیرد.

## منابع

- آسوده، محمد حسین خلیلی، شیوا لواسانی، مسعود دانشپور، منیژه (۱۳۸۹). پرسشنامه زوجی اینریچ: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، برگرفته از سایت [www.prepare-enrich.com](http://www.prepare-enrich.com)
- امان الهی، عباس اصلانی، خالد تشکر، هاجر غوابش، سعاد نکویی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. فصلنامه مطالعات زنان، ۱۰(۳۲): ۸۶-۶۷.
- ایرانی، نجمه (۱۳۸۳). مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی دانشجویان علوم تحقیقات (دانشکده علوم انسانی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- پورمیر صالح، یاسر اسماعیلی، معصومه فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۲). اثربخشی آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی بر رضایت زناشویی زنان متأهل. فصلنامه روانشناسی و دین، ۲(۲۲): ۵-۱۹.
- پیری بنیادی، منصور (۱۳۸۸). ازدواج سنتی، ازدواج مدرن. تبریز: نشر مؤلف.
- حسن‌پور، امین سیف نراقی، مریم قره‌خانی، احمد جعفری، مسعود (۱۳۹۱). بررسی رابطه دلبستگی به خدا و سلامت روان در والدین کودکان استثنایی و عادی شهر همدان سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷. فصلنامه افراد استثنایی، ۲(۶): ۲۰-۱.
- حمیدی، فریده (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۲): ۴۵۴-۴۴۴.
- دلاور، علی (۱۳۹۳). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- دلخوش، محمد تقی (۱۳۸۶). ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۳(۱۲): ۷۰-۵۶.
- رحمانی، اعظم و موقاتی خویی، عفت السادات و صادقی، نرجس و الله قلی، لیلا (۱۳۹۰). ارتباط رضایت جنسی و رضایت از زندگی زناشویی. مجله مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۲۴(۷۰): ۹۰-۸۲.

مقایسه رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی..... فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده

زاده‌هوش، سمیه طاهر نشاط دوست، حمید حقیقت، فرشته رسول‌زاده طباطبایی، کاظم کلانتری، مهرداد (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی گروه‌درمانی شناختی- رفتاری با جهت‌گیری مذهبی بر رضایت زناشویی بانوان. مجله مطالعات روانشناسی بانوان، ۳: ۴۲-۲۱.

زرنندی، علیرضا رمضانی، ولی‌الله جواهری کامل، عابدین (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ترکیب سبک دلبستگی زوج‌ها و رضایت زناشویی. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۳۵: ۱۵۰-۱۳۳.

سودانی، منصور منجزی، فرزانه شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۱). تأثیر آموزش‌های اسلامی خانواده بر افزایش رضایت زناشویی زوجین. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۸(۳): ۳۰-۹.

سیار، ثریا راهب، غنچه اقلیما، مصطفی (۱۳۹۱). مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۷): ۲۹۵-۲۸۳.

شاکریان، عطا فاطمی، عادل فرهادیان، مختار (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی. مجله دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۶(۱): ۹۹-۹۲.

علمدار، مینا. (۱۳۸۹). الفبای زندگی مشترک. تهران: نشر حسام.

قلی‌زاده، زلیخا برزگری، لیلی غریبی، حسن باباپور خیرالدین، جلیل (۱۳۸۹). بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی Neo-FFI با رضایت زناشویی. دو ماهنامه دانشور رفتار، ۱۷(۴۳): ۶۵-۵۷.

محبوبی منش، حسین (۱۳۸۸). تغییرات اجتماعی ازدواج. مجله کتاب زنان، ۱(۱): ۵۶-۲۲. محمدتقی، ایمان آقا میری، سیده فاطمه (۱۳۹۱). بررسی عوامل فرهنگی و روان‌شناختی مؤثر بر بهزیستی روانی مادران متعلق به آشیانه خالی. فصلنامه زن و جامعه، ۳(۱): ۲۰-۱.

مظاهری، علی انصاری نژاد، فاطمه صادقی، منصوره السادات عباسی، مریم نصرآبادی، ام لیلی (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج. فصلنامه راهبرد و فرهنگ، ۵: ۷۰-۵۵.

مصلحی، جواد و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲). نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین. فصلنامه روانشناسی و دین، ۶(۲): ۹۴-۷۸.

مهکام، رضا (۱۳۸۴). تصویر ازدواج در رسانه‌ی ملی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۲۵: ۲۶۷-۲۴۲.

- Bowlby, J. (1988). Developmental psychiatry comes of age. *The American Journal of Psychiatry*.
- Brown, S. L. (2004). Moving from cohabitation to marriage: Effects on relationship quality. *Social Science Research*, 33(1), 1-19.
- Hazan C, Zeifman D, Middleton K. Adult romantic attachment, affection and sex. Proceeding of the 7th International Conference on Personal Relationships; 1994; Groningen, Netherlands; 1994.
- Hunt, J. M. (2009). *A " Cohabitation Effect" ? Cohabitation, Parental Divorce, and Marital Success*. Ohio State University.
- Kline, G. H., Stanley, S. M., Markman, H. J., Olmos-Gallo, P. A., StPeters, M., Whitton, S. W., et al. (2004). Timing is everything: Pre-engagement cohabitation and increased risk for poor marital outcomes. *Journal of Family Psychology*, 18(2), 311-318.
- Manning, W. D., & Smock, P. J. (2005). Measuring and modeling cohabitation: New perspectives from qualitative data. *Journal of Marriage and Family*, 67(4), 989-1002.
- Markman, H. (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training. *Journal of counseling and clinical psychology*. 111, 70-78.
- Nietzel, M. T & Harris, M. J. (2008). *Creative ways to keep romance alive* <http://www.heartnhome.com>
- Olson, D. H., DeFrain, J. D., & Olson, A. K. (1999). *Building relationships: Developing skills for life*: Life Innovations, Incorporated.
- Phillips, J. A., & Sweeney, M. M. (2005). Premarital cohabitation and marital disruption among White, Black, and Mexican American women. *Journal of Marriage and Family*, 67(2), 296-314.
- Roccas, S. (2005). Religion and value systems. *Journal of Social Issues*, 61(4), 747-759.